

En



بخط ابوالحسن مظفری

نگارش آسان

دُعَاءُ كَمِيلٍ

دعاء کمیل

Dua Kumayl

The Supplications of Kumayl

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the Name of Allah, the All-merciful, the All-compassionate



۳
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خدایا از تو درخواست می‌کنم

O Allah, I ask You

بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

* به آن رحمت بی‌انتهایت که همه موجودات را فرا گرفته است

by Your mercy, which embraces all things;





وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

* و به توانایی بی حدت که بر هر چیز مسلط و قاهر است

And by Your strength, through which You dominatest all things,

وَ خَضَعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ

* و همه اشیا خاضع و مطیع اوست

And toward which all things are humble



وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ * وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي

و تمام عزت‌ها در مقابلش ذلیل و زبون است * و به مقام جبروت
And before which all things are lowly; And by Your

غَلَبْتَ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ *

و بزرگیت که همه قدرت‌ها برابر او مغلوب است *
invincibility through which You overwhelme



وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ

و به عزت و اقتدارت که هر مقتدری از مقاومتش عاجز است
And by Your might, which nothing can resist;

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ

و به عظمت و بزرگیت که سراسر عالم را مشحون کرده است
And by Your tremendousness, which has filled all things;



وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ

و به سلطنت و پادشاهیت که بر تمام قوای عالم برتری دارد
 * by Your force, which towers over all things;

وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

و به ذات پاکت که پس از فناى همه موجودات، باقى ابدى است
 * And by Your face, which subsists after the annihilation of all things,



۸
وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي

و به نام های مبارکت
And by Your Names,

مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

که در همهٔ ارکان عالم هستی تجلی کرده است *
which have filled the foundations of all things;



۹
وَبِعِلْمِكَ الَّذِي

و به علم ازلیت

And by Your knowledge,

أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

که بر تمام موجودات محیط است *

which encompasses all things;



وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي

و به نور تجلی ذاتت

And by the light of Your face,

أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ

که همهٔ عالم را روشن ساخته است *

through which all things are illumined!



يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ * يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ

ای نور حقیقی و ای منزّه از توصیف * ای پیش از همه سلسله

O Light! O All-holy! O First of those who are first

وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ *

و بعد از همه موجودات پسین *

And O Last of those who are last!



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدایا ببخش آن گناہانی را کہ
O Allah, forgive me those sins

تَهْتِكُ الْعِصَمَ

پردهٔ عصمت را پاره می‌کند *
which tear apart safeguards!



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدایا ببخش آن گناہانی را کہ
O Allah, forgive me those sins which

تَنْزِلُ النِّقَمَ

بر من کیفر عذاب نازل می کند *
draw down adversities!



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدایا ببخش آن گناہانی را کہ
O Allah, forgive me those sins which

تَغَيِّرِ النِّعَمَ

در نعمتت را به روی من می بندد *
alter blessings!



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدایا ببخش آن گناہانی را کہ
 O Allah forgive me those sins which

تَحْبِيسُ الدُّعَاءِ ❁

مانع قبولی دعاہایم می شود *
 hold back supplication!



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدایا ببخش آن گناہانی را کہ
O Allah, forgive me those sins which

تُنزِلُ البَلَاءَ

بر من بلا می فرستند *
draw down tribulation!



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدایا ببخش آن گناہانی را کہ
O Allah forgive me those sins which

تَقْطَعُ الرَّجَاءَ

امیدم را قطع می کند *
cut down the hopes!



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ

خدایا هر گناهی که مرتکب شده‌ام را ببخش
 O Allah, forgive me every sin I have committed

وَكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا

و هر خطایی که از من سر زده را ببخش
 and every mistake I have made!



اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ

ای خدا من به یاد تو، به سویت تقرب می جویم *

O Allah, verily I seek nearness to You through remembrance of You,

وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ

و تو را نزدِ تو شفیع می آورم *

And I seek intercession from You with Yourself,



وَاسْأَلْكَ بِجُودِكَ

و از درگاه جود و کرمّت مسألت می‌کنم

And I ask You through Your munificence to

أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ

که مرا به مقام قرب خود نزدیک سازی *

bring me near to Your proximity,



وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ

و شکر و سپاست را به من بیاموزی *
And to provide me with gratitude toward You

وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ

و ذکر و توجه حضرتت را بر من الهام کنی *
And to inspire me with Your remembrance.



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خدایا از تو مسألت می‌کنم

O Allah, verily I ask You with

سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ

با سؤالی از روی خضوع و ذلت و خشوع و مسکنت *
the asking of a submissive, abased and lowly man




 أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي

* که کار بر من آسان بگیری و به عالم ترحم کنی
 to show me forbearance, to have mercy on me


 وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا

* و مرا به قسمت مقدر خود، خوشنود و قانع بسازی
 And to make me satisfied and content with Your appointment



وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ

و در هر حال مرا
and [make me] humble

✽ مُتَوَاضِعًا

* متواضع گردانی
in every state.



اللَّهُمَّ وَاسْأَلُكَ

خدایا من از تو، مانند سائلی

O Allah, I ask You

سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فِاقَتُهُ

درخواست می‌کنم که در شدت فقر و بیچارگی باشد *

the question of one whose indigence is extreme,



وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشُّدَّائِدِ حَاجَتَهُ وَ

و تنها به درگاه تو در سختی‌های عالم، عرض حاجت کند
 And who has stated to You in difficulties his need

وَعَظَمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ وَ

و شوق و رغبتش به نعم ابدی که حضور توست باشد
 And whose desire for what is with You has become great.



اللَّهُمَّ عَظْمَ سُلْطَانِكَ

ای خدا پادشاهی تو بسیار با عظمت است
 O Allah, Your force is tremendous,

وَعَلَا مَكَانِكَ

و مقامت بسی بلند است *
 Your place is lofty,



وَ خَفِيَ مَكْرُكَ وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ

* و مکر و تدبیرت در امور پنهان است و فرمانت در جهان هویدا است
 And Your deception is hidden, Your command is manifest,

وَ غَلَبَ قَهْرُكَ وَ جَرَّتْ قُدْرَتُكَ

* و قهرت بر همه غالب است و قدرتت در همه عالم نافذ است
 And Your domination is overwhelming, Your power is unhindered



وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ

و کسی از قلمرو حکومت

And escape from Your governance

مِنْ حُكُومَتِكَ ❁

فرار نتواند کرد *

is impossible.



اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا

* خدایا من جز تو کسی نمی یابم که گناهانم ببخشد

O Allah, I find no forgiver of my sins,

وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا

* و بر اعمال زشتم پرده پوشد

Nor concealer of my ugly acts



وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ

و کارهای بدم (را از لطف و کرم)

Nor transformer of any of my ugly acts

بِالْحُسْنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ

به کار نیک مبدل کند (جز تو کسی نمی یابم) *

into good acts but You



لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

خدایی جز تو نیست

There is no god but You!

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ

ای ذات پاک و منزّه، و به حمد تو مشغولم *

Glory be to You, and Thine is the praise!



ظَلَمْتُ نَفْسِي

ستم نمودم به خودم

I have wronged myself,

وَتَجَرَأْتُ بِجَهْلِي

و دلیری کردم به نادانی خود *

And I have been audacious in my ignorance



وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي

و خاطر من آسوده به این بود که همیشه مرا یاد کردی

And I have depended upon Your ancient remembrance of me and

وَمِنْكَ عَلَيَّ

و بر من لطف و احسان فرمودی *

Your favour toward me.



اللَّهُمَّ مَوْلَايَ

ای خدا، ای مولای من
O Allah! O my Protector!

کَمِ مِنْ قَبِيحِ سَتْرَتِهِ وَ

چه بسیار کارهای زشتم که پوشاندی *
How many ugly things You hast concealed!



وَ كَمْ مِنْ فَاذِحٍ مِنَ الْبُلَاءِ

و چه بسیار بلاهای سخت که از من

How many burdensome tribulations You

أَقْلَتَهُ  و

* دور گردانیدی

hast abolished!



وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ 

و چه بسیار از لغزش‌ها که مرا نگاه داشتی *
And how many stumbles You hast prevented!

وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ 

و چه بسیار ناپسندها که از من دور کردی *
And how many ordeals You hast repelled!



وَکَمِّ مِنْ تَنْاءِ جَمِیلِ

و چه بسیار تعریف نیکو که من لایق آن نبودم،

And how much beautiful praise, for which I was unworthy,

لَسْتُ أَهْلًا لَهُ وَ نَشَرْتَهُ

و تو از من بر زبان ها منتشر ساختی *

You hast spread abroad!



اللَّهُمَّ عَظُمَ بِلَائِي

ای خدا غمی بزرگ در دل دارم *
O Allah, my tribulation is tremendous,

وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي

و حالی بسیار ناخوش دارم *
And my bad state is excessive,



وَقَصَّرْتُ (قَصَّرْتُ) بِي أَعْمَالِي ❁

* و اعمالی نارسا دارم

And my acts are inadequate,

وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي ❁

* و زنجیرهای علایق مرا در بند کشیده

And my fetters have tied me down,



وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي

و آرزوهای دور و دراز دنیوی

And my far-fetched hopes have held me back

بَعْدُ أَمْالِي (أَمْالِي) ❁

از هر سودی مرا باز داشته *

from my gain



وَ خَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا

و دنیا به خدعه و غرور *

And this world with its delusions, my own soul

وَ نَفْسِي بِجُنَايَتِهَا (بِخِيَانَتِهَا) وَ مِطَالِي

و نفسم به جنایت، فریبم داده است *

with its offences and my delay have deceived me.



يَا سَيِّدِي

ای خدای بزرگ و سید من

O my Master!

فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ

به عزت و جلالت قسم،

So I ask You by Your might



أَنْ لَا يَجُوبَ عَنْكَ دُعَائِي

که دعای مرا از اجابتت منع نکند
not to let my evil works and acts veil

سُوءٌ عَمَلِي وَفِعَالِي ❁

عمل بد و افعال زشت من *
my supplication from You,



وَلَا تَفْضُحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ

و مرا به قبايح پنهانم، مفتضح و رسوا نگردانی
 And not to disgrace me through the hidden things

عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي

که تنها تو بر آن آگاهی *
 You knowest of my secrets



وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالعُقُوبَةِ

و (گرم کن و) زود به عقوبتم مگیر
And not to hasten me to punishment

عَلَى مَا عَمِلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي

بر آنچه در خلوت به جا آورده‌ام،
for what I have done in private:



مِنْ سُوءِ فِعْلِي

از اعمال بد

My evil acts in secrecy

وَإِسَاءَتِي

و ناشایسته *

and my misdeeds



وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي ❁

و تقصیر و نادانی ❁

And my continuous negligence and my ignorance

و كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي ❁

و کثرت اعمال غفلت و شهوت که کرده‌ام ❁

And my manifold passions and my forgetfulness.



وَ كُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي

ای خدا به عزت و جلالت سوگند

And by Your might, O Allah,

فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ (فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا) رَءُوفًا

که با من در همه حال رأفت و رحمت فرما *

be kind to me in all states



وَعَلَىٰ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا

و در جمیع امور مهربانی کن
And be gracious to me in all affairs!

إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ

ای خدا، ای پروردگار، جز تو من، چه کسی را دارم؟
My God and my Lord! Have I any but You from whom to



أَسْأَلُهُ وَكَشَفَ ضُرِّي

تا از او درخواست کنم که غم و رنجم را برطرف سازد
ask removal of my affliction

وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

و به مآلم از لطف توجه کند *
and regard for my affairs!



إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ

ای خدا ای مولای من تو بر من حکم و دستوری مقرر فرمودی
My God and my Protector! You put into effect through me

حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي

و من در آن به نافرمانی، پیرو هوای نفس گردیدم *
a decree in which I followed the caprice of my own soul



وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ

و حفظ نکردم خود را

And [I] did not remain wary of

مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي

از وسوسه دشمن (نفس) *

adorning my enemy.



فَغَرَّبَنِي بِمَا أَهْوَىٰ

که معصیت‌ها را در نظرم جلوه‌گر ساخته

So he deluded me through my soul's caprice

وَأَسْعَدَهُ ۖ وَعَلَىٰ ذَٰلِكَ الْقَضَاءُ ۖ

و فریبم داد و قضای آسمانی نیز مساعدت کرد *

and therein destiny favoured him



فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ

تا آنکه من قدم بیرون نهادم در این رفتار

So, in what was put into effect through me in that situation, I trans-

مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ (مِنْ نَقْضِ) حُدُودِكَ ❁

از بعض حدود و احکامت *

gressed some of Your statutes



وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ

و در بعضی اوامرت راه مخالفت پیمودم *
And disobeyed some of Your commands.

فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

حال در تمام این امور تو را ستایش می کنم *
So Thine is the argument against me in all of that



وَلَا حُجَّةَ لِي فِي مَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ

و مرا در آنچه رفته است بر تو هیچ حجتی نخواهد بود، با آنکه در او

I have no argument in what Your destiny put into effect through me therein nor

قَضَاؤُكَ * وَالزَّمَنِي حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ *
 * قضاوت تو بوده * و حکم (تکوینی) و امتحان و آزمایش تو، مرا بر آن ملزم ساخته

in what Your decree and Your tribulation imposed upon me.



وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي

و با این حال بار خدایا به درگاهت باز آمده‌ام پس از تقصیر

Now I have come to You, My God, after my shortcoming and my

وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي

و ستم بر نفس خود *

immoderation toward myself,



مُعْتَذِرًا نَادِمًا ❁ مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا

با عذرخواهی و پشیمانی * و شکسته دلی و تقاضای عفو *
Proffering my excuse, regretful, Broken, apologizing,

❁ مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا ❁

و آمرزش و توبه و زاری *
Asking forgiveness, repenting,



مُقِرًّا مَذْعِنًا مُعْتَرِفًا

و تصدیق و اعتراف بر گناه خود *
Acknowledging, submissive, confessing.

لَا أَجِدُ مَفْرًا مِمَّا كَانَتْ مِنِّي

نه از آنچه کردم مفری دارم *
I find no place to flee from what occurred through me,



وَلَا مَفْزَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي

و نه جایی که برای اصلاح کارم بدانجا روی کنم و پناه ببرم *
Nor any place of escape to which I may turn in my affairs,

غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي

مگر آنکه تو باز عذرم بپذیری *
Other than Your acceptance of my excuse



وَإِدْخَالِكَ إِيَّامِي

و مرا در پناه
and Your entering me into

❁ فِي سَعَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ

رحمت بی منتهایت داخل کنی *
the compass of Your mercy.



اللَّهُمَّ (الهِی) فَأَقْبِلْ عُذْرِي

ای خدا عذرم بپذیر


O Allah, so accept my excuse,

وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي

و بر این حال پریشانم ترحم فرما *

Have mercy upon the severity of my affliction



وَفُكِّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي * 

و از بند سخت گناهانم رهایی بخش *

And release me from the tightness of my fetters,

يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي

ای پروردگار من، بر تن ضعیف

My Lord, have mercy upon the weakness of my body,



يَا رَبِّ اَرْحَمِ

ای پروردگار من،

My Lord, have mercy upon

ضَعْفَ بَدَنِي

بر تن ضعیفم رحم کن

the weakness of my body,



وَرِقَّةٌ جِلْدِي

و بر نازکی پوست
the thinness of my skin

وَرِدْقَةٌ عَظْمِي

و بی طاقتی استخوانم ترحم کن *
and the frailty of my bones.



يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي

خدایی که در اول، به وجودم سرافراز، و به لطف یادم کردی

O You who gave rise to my creation, to the remembrance of me,

و تَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي

و به تربیت و نیکی، پرورشم دادی و به غذا عنایت داشتی *

to the nurture of me, to goodness toward me and to nourishment on me,

هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ

اینک به همان سابقه کرم و احسانی که پیش از این

Bestow upon me for the sake of Your having given rise [to me] with

وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي

با من داشتی، بر من ببخش *

generosity and Your previous goodness to me!



يَا اِلٰهِيَّ وَ سَيِّدِيَّ وَ رَبِّيَّ ❁

ای خدای من ای سید و پروردگار من ❁

O Allah, my Master and my Lord! Canst You see Yourself

اَتْرَاكَ مُعَذِّبِيَّ بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ ❁

آیا باور کنم که مرا در آتش می سوزانی با وجود آنکه به توحید و یکتائی ات گرویدم؟ ❁

tormenting me with Your fire after I have professed Your Unity



وَبَعْدَ مَا انطَوَى

و با آنکه دلم

And after the knowledge of You

عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ

* به نور معرفت تو روشن گردید

my heart has embraced,



وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ

و زبانم به ذکرت گویا شد *

And the remembrance of You my tongue has constantly mentioned

وَاعْتَقَدَهُ وَضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ

و در باطنم عقد محبت تو استوار گردید *

And the love of You to which my mind has clung,



وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي

و بعد از آنکه از روی صدق و خضوع و مسکنت

And after the sincerity of my confession

خَاضِعًا لِرَبِّوَيْتِكَ

به مقام ربوبیتت اعتراف کردم *

and my supplication, humble before Your lordship?



هَيَّاهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ

بسیار دور است که تو کریم‌تری از اینکه،

Far be it from You! You art more generous than

مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ

از نظر بیاندازی کسی که او را پرورش داده‌ای *

that You shouldst squander him whom You hast nurtured,



أَوْ تَبْعِدَ (تُبْعِدَ) مَنْ أَدْنَيْتَهُ و

یا آنکه دور کنی کسی را که نزد خود کشیده‌ای *

Or banish him whom You hast brought nigh,

أَوْ تُشْرِدَ مَنْ ءَاوَيْتَهُ و

یا برانی آنکه را که به او جا داده‌ای *

Or drive away him whom You hast given an abode



أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ

یا بسیاری به سوی بلاء آنکه را که به او کفایت کرده‌ای
 Or submit to tribulation him whom You hast spared

وَرَحِمْتَهُ وَ

و رحم نموده‌ای *
 and shown mercy.



وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي

و ای کاش بدانستمی ای خدای من و سید

Would that I knew, my Master,

وَإِلٰهِي وَمَوْلَايَ

و مولای من *

My God and my Protector,



أَتَسْلِطُ النَّارَ عَلَىٰ وَجْهِهِ

که آیا تو آتش قهرت را مسلط می‌کنی بر آن رخسارها

Whether You wilt give the Fire dominion over

خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً

که در پیشگاه عظمتت سر به سجده عبودیت نهاده‌اند؟ *

faces fallen down prostrate before Your Tremendousness,



وَعَلَى السِّنِّ نَطَقْتَ بِتَوْحِيدِكَ

یا بر آن زبان ها که از روی حقیقت و راستی، ناطق به توحید تو
 And over tongues voicing sincerely the profession of

صَادِقَةٌ وَبِشُكْرِكَ مَا دِحَةٌ ❁

و گویا به حمد و سپاس تو هستند *
 Your Unity and giving thanks to You in praise,



وَعَلَىٰ قُلُوبٍ اِعْتَرَفَتْ

یا بر آن دل‌ها که به خدایی تو از روی صدق
 And over hearts acknowledging Your Divinity

بِالْهَيْتِكَ مُحَقَّقَةٌ

و یقین معترفند *
 through verification,



وَعَلَىٰ ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِّنَ الْعِلْمِ بِكَ

یا بر آن جان‌ها که از علم و معرفت در پیشگاه جلالت
And over minds encompassing knowledge of You

حَتَّىٰ صَارَتْ خَاشِعَةً

خاضع و خاشعند *

until they have become humble



وَ عَلَىٰ جَوَارِحِ سَعَتٍ

یا بر آن اعضایی که مشتاقانه

And over bodily members speeding to

إِلَىٰ أَوْطَانٍ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً

به مکان‌های عبادت و جایگاه طاعتت می‌شتابند *

the places of Your worship in obedience



وَ أَشَارَتْ بِأَسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً

و به اعتقاد کامل از درگاه کَرَمَتِ آموزش می طلبند *
and beckoning for Your forgiveness in submission.

مَا هُكِّدَا الظَّنُّ بِكَ

و هیچکس به تو این گمان نمی برد
No such opinion is held of You!



وَلَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ ❁

(که بندگان را بسوزانی) و چنین خبری از تو به ما بندگان نرسیده *
 Nor has such been reported - thanks to Your bounty –

يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ ❁

ای خدای با فضل و گرم *
 concerning You, O All-generous! My Lord,



وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ

در صورتی که خودت بی طاقتیم را بر اندک رنج
 And You knowest my weakness before a little of

مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا

و عذاب دنیا و آلامش می دانی *
 this world's tribulations and punishments,



وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى

و آنچه در دنیا از بد آمدنی‌های آن، بر اهلش جاری شود
And before those ordeals which befall its inhabitants,

أَهْلِهَا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ

با آنکه رنج و الم دنیا اندک است *
Even though it is a tribulation and ordeal



قَلِيلٌ مَّا كُنْتُمْ فِيهَا وَمَا كَانَ بِكُمْ مِنْ عِلْمٍ شَيْءٌ
 قَلِيلٌ مَّا كُنْتُمْ فِيهَا وَمَا كَانَ بِكُمْ مِنْ عِلْمٍ شَيْءٌ

و زمانش کم است * و دوامش ناچیز است *
 whose stay is short, whose subsistence is but little and,

قَصِيرٌ مَّا دُمَّتْ فِيهَا وَمَا كَانَ بِكُمْ مِنْ عِلْمٍ شَيْءٌ
 قَصِيرٌ مَّا دُمَّتْ فِيهَا وَمَا كَانَ بِكُمْ مِنْ عِلْمٍ شَيْءٌ

و مدتش کوتاه است *
 whose period is but fleeting.



فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ

پس من چگونه طاقت آورم عذاب عالم آخرت را

So how can I endure the tribulations of the next world

وَجَلِيلٍ (حُلُولٍ) وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا

و آلام سخت آن عالم را *

and the great ordeals that occur within it?



وَهُوَ بَلَاءٌ تَطْوِلُ مَدَّتُهُ وَ

و حال آنکه مدت آن عذاب طولانی است
For it is a tribulation whose period is long,

وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَ

و زیست در آن همیشگی است *
whose station endures



وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ

و هیچ بر اهل عذاب در آنجا
and whose sufferers are given no respite,

لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ

تخفیفی نیست چندان که آن عذاب تنها از غضب
Since it only occurs as a result of Your wrath,



وَإِنِّي لَأَتَّقِيكَ وَاسَخَطِيكَ * وَهَذَا

و قهر و انتقام توست * که هیچکس

Your vengeance and Your anger, And these cannot be

مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ *

از اهل آسمان و زمین تاب و طاقت آن را ندارد *

withstood by the heavens and the earth.



يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ بِي (بِ)

ای سید من، پس چگونه تاب آن عذاب آورم،

O Master, so what about me?!

وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ ❁

که من بنده ناتوان تو هستم *

For I am Your weak,



الذليل الحَقِيرُ الْمِسْكِينُ

ذليل و حقير و فقير
lowly, base, wretched

المُسْتَكِينُ

و دور مانده *
and miserable slave.



يَا اِلٰهِي وَرَبِّي

ای خدای من ای پروردگار من
My God! My Lord!

وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

و سید و مولای من *
My Master! My Protector!



لَا يَسْأَلُ الْأُمُورَ الْيَلَاءَ أَشْكُو

از کدامین سختی‌های امورم به سویت شکایت کنم؟
For which things would I complain to You?

وَلِإِذَا مِنْهَا أَضْجَعُ وَأَبْكِي

و از کدام یک به درگاهت بنالم و گریه کنم؟
And for which of them would I lament and weep?



لَا لِيْمِ الْعُذَابِ وَشِدَّتِهِ

از دردناکی عذاب آخرت بنالم

For the pain and severity of chastisement?

أَمْ لِيَطْوِلِ الْبَلَاءُ وَ مَدَّتِهِ

یا از طول مدت آن بلای سخت، زاری کنم؟ *

Or for the length and period of tribulation?



فَلَنْ صَيِّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ

پس تو مرا اگر به انواع عقوبت

So if You takest me to the punishments

مَعَ أَعْدَائِكَ

* با دشمنانت معذب گردانی

with Your enemies,



وَجَمَعْتَ بَيْنِي

و با اهل عذابت

And gatherest me with the people of

وَيَبِّئَنِي أَهْلَ بَلَائِكَ ❁

همراه کنی *

Your tribulation



وَفَرَّقْتَ بَيْنِي

و از جمع دوستان
And separatest me

وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ

و خاصانت جدا سازی *
from Your friends and saints,



فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي

در آن حال بگیرم که ای خدای من و سید
Then suppose, My God, my Master,

و مَوْلَايَ وَ رَبِّي *

و مولای من و پروردگار من *
my Protector and my Lord



صَبِرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ

بر آتش عذاب تو صبوری کنم،
that I am able to endure Your chastisement,

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ

چگونه بر فراق تو صبر توانم کرد؟ *
How can I endure separation from You?



وَهَبْنِي يَا إِلَهِي

و گيرم آنکه

And suppose that I am able to

صَبَرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ

بر حرارت آتشت شکیبا باشم،

endure the heat of Your fire,



فَكَيْفَ أَصْبِرُ

چگونه چشم

How can I endure

عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ

از لطف و کرمت تو انم پوشید؟ *

not gazing upon Your generosity?



أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ

یا چگونه در آتش دوزخ ساکن شوم با این امیدواری
Or how can I dwell in the Fire

وَرَجَائِي عَفْوِكَ

که به عفو و رحمت بی منتهایت دارم؟ *
while my hope is Your pardon?



فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

* باری به عزت ای سید و مولای من

So by Your might, my Master and my protector,

أُقْسِمُ صَادِقًا لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا

* به راستی سوگند می خورم که اگر مرا با زبان گویا (به دوزخ) گذاری

I swear sincerely, if You leavest me with speech,



لَا ضِجْنَ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا

من در میان اهل آتش ناله همی کنم

I will lament to You from the midst of the Fire's inhabitants

ضَجِيجَ الْأُمَلِيِّينَ (الْأُمَلِيِّينَ)

مانند دادخواهان *

with lamentation of the hopeful;



وَلَا صُرُخَنَّ إِلَيْكَ

و بسی فریاد می زخم به سویت

I will cry to You

صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

مانند شیون گریه کنندگان *

with the cry of those crying for help;



وَأَبْكِينَ عَلَيْكَ

و بنالم به آستانت
I will weep to You

بُكَاءِ الْفُقَادِينَ

مانند عزیزگم‌کردگان *
with the weeping of the bereft;



وَلَا نَادِيَنَّكَ آيِنَ كُنْتَ

و به صدای بلند تو را می خوانم
And I will call to You, Where art You,

يا ولى المؤمنين

که ای یاور اهل ایمان *
O Sponsor of the believers,



یا غَايَةَ اَمَالِ الْعَارِفِينَ

و ای منتهای آرزوی عارفان *

O Goal of the hopes of Your knowers,

یا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

و ای فریادرس فریادخواهان *

O Aid of those who seek assistance,




 يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ

* و ای دوست دل‌های راستگویان
 O Friend of the hearts of the sincere


 وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

* و ای یکتا خدای عالمیان
 And O God of all the world's inhabitants!



أَفْتُرَاكَ سُبْحَانَكَ

آیا درباره تو ای خدای پاک و منزّه

Canst You see Yourself – Glory be to You My God,

يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ

و ستوده صفات گمان می توان کرد *

and Thine is the praised –



تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

که بشنوی در آتش، فریاد بندهٔ مسلمی را

hearing within the Fire the voice of a slave surrendered to You,

سُجِنَ (يُسْجَنُ) فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ

که به نافرمانی در دوزخ زندانی شده *

Imprisoned there because of his violations,



وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا

و سختی عذابت را به کیفر گناه

Tasting the favour of its torment because of

بِمَعْصِيَتِهِ

می چشد *

his disobedience,



وَ حُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

و میان طبقات جهنم محبوس گردیده،
And confined within its levels because of

بِجُرْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ

به جرم و عصیان *
his sin and crime,



وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ

و ضجه و ناله اش به سوی تو بلند است

While he laments to You

ضَجِيحٌ مُؤْمِلٌ لِرَحْمَتِكَ

با چشم انتظاری و امیدواری به رحمت بی منتهایت *

with the lament of one hopeful for Your mercy,



وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ

و به زبان اهل توحید تو را می خواند *

And calls to You with the tongue of those who profess Your Unity

وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرَبُوبِيَّتِكَ

و به ربوبیتت متوسل می شود *

And entreats You by Your lordship!



يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ

ای مولای من، باز چگونه در آتش عذاب خواهد ماند،

My Protector, so how should he remain in the chastisement, while he

وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ

در صورتی که به سابقه حلم نامنتهایت چشم دارد؟ *

has hope for Your previous clemency?



أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارُ

یا چگونه آتش به او رنج رساند
Or how should the Fire cause him pain

وَهُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ

و حال آنکه به فضل و کرمیت امیدوار است؟ *
while he expects Your bounty and mercy?



أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ وَ لَهِيْبَهَا (لَهْبُهَا) وَأَنْتَ

یا چگونه شراره‌های آتش او را بسوزاند با آنکه تو خدای کریم،

Or how should its flames burn him, while You hearest

تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ ❁

نال‌اش را می‌شنوی و مکانش را می‌بینی؟ ❁

his voice and seest his place?



أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا

یا چگونه شعله‌های دوزخ بر او احاطه کند،
Or how should its groaning encompass him,

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ ❁

با آنکه ضعف و بی طاقتیش را می دانی؟ *
while You knowest his weakness?



أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

یا چگونه به خود پیچد و در طبقات آتش مضطرب بماند،

Or how should he be convulsed among its levels,

وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ

با آنکه تو به صدق (دعای) او آگاهی؟ *

while You knowest his sincerity?



أَمْ كَيْفَ تَزَجِرُهُ وَزَبَانِيَّتُهَا

یا چگونه مأموران دوزخ او را زجر کنند،
Or how should its keepers torture him

وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٗ ۝

با آنکه به صدای یا رب یا رب تو را می خواند؟ *
while he calls out to You, O Lord?



أَمْ كَيْفَ يَرْجُوا فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ

یا چگونه به فضل تو امید آزادی از آتش دوزخ داشته باشد

Or how should he have hope of Your bounty in freeing him from it,

مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ وَ (فَتَتْرُكُهُ) فِيهَا

و تو او را به دوزخ واگذاری؟ *

while You abandonest him within it?



هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ

هیہات کہ ہرگز این گمان نرود

Far be it from You! That is not what is expected of You,

وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ

و ہرگز از فضل تو چنین معروف نباشد *

Nor what is well-known of Your bounty,



وَلَا مُشَبِّهَ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ

و این معامله به رفتار با بندگان موحدت شباهت ندارد،
Nor it is similar to the goodness and kindness You

مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ

که همه احسان و عطا بوده *
hast shown to those who profess Your Unity.



فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَاكَمْتَ بِهِ

پس من به یقین قاطع می دانم که اگر تو بر منکران خدایت

So I declare with certainty that were it not for what You hast decreed

مِنْ تَعْذِيبِ جَا حِدِيلِكَ

حکم به آتش قهر خود نکرده بودی *

concerning the chastisement of Your deniers



وَقَضَيْتَ بِهِ مِنَ الْإِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ

* و فرمان همیشگی عذاب دوزخ را به معاندان نداده بودی

And what You hast foreordained concerning the everlasting home of those who

جَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا

* محققاً تمام آتش دوزخ را سرد و سالم می کردی

stubbornly resist, You wouldst make the Fire, all of it, coolness and safety,



وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا

و هیچکس را در آتش جای و منزل
 And no one would have a place of rest

وَلَا مُقَامًا (مَقَامًا) ❁

نمی دادی *
 or abode within it.



لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُكَ

و لیکن تو ای خدا، نام‌های مبارکت مقدس است *
But You—holy are Your Names—hast sworn that

أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ

و قسم یاد کرده‌ای که دوزخ را از کافران پر گردانی،
You wilt fill it with the unbelievers,



مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

جميع جن و انس *

Both Jinn and men together,

وَأَنْ تُخَلَّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ

و معاندان را در آن عذاب جاویدان سازی *

And that You wilt place those who stubbornly resist therein forever.





وَأَنْتَ جَلُّ ثَنَاءٍ وَأَنْتَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا

و ستایش بی حد تو را سزاست که با وجود آنکه خویش را ثنا گفتی
 And You— majestic is Your eulogy— said at the beginning and wernt



وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا

و به همه انعام نمودی، (در کتاب خود فرمودی)
 gracious through kindness as a favour,



﴿ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا

آیا (در آخرت) اهل ایمان

(What? Is he who has been believer like unto him

كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ ﴿

با فاسقان یکسانند؟ هرگز یکسان نیستند *

who has been ungodly? They are not equal)



إِلَهِي وَسَيِّدِي

ای خدای من و سید من *
My God and my Master!

فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَرْتَهَا

از تو درخواست می‌کنم به مقام قدر (و آن قدرت ازلی) *
So I ask You by the power You hast apportioned



وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا

که مقدرات عالم بدان کردی

And by the decision which You hast determined

وَحَاكَمْتَهَا

و به مقام قضای مبرم *

and imposed and through which



وَاغْلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ اجْرِيَّتُهَا

که بر هر که فرستادی غالب و قاهر شدی،

You hast overcome him toward whom it has been put into effect,

أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

که مرا ببخشی و درگذری در همین شب *

That You forgivest me in this night



وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ

و در همین ساعت *
and at this hour

كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ

هر جرمی که کرده‌ام *
Every offence I have committed,



وَكُلِّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ و

و هر گناهی که کرده‌ام *

And every sin I have performed,

وَكُلِّ قَبِيحٍ اَسْرَرْتُهُ و

و هر کار زشتی که پنهان داشته‌ام *

And every ugly thing I have concealed



وَكُلِّ جَهْلٍ عَمِلْتَهُ وَكَتَمْتَهُ

و هر عملی که به جهالت مرتکب شده‌ام و هر عملی که
 And every folly I have enacted Whether I have hidden

أَوْ أَعْلَنْتَهُ وَ أَخْفَيْتَهُ أَوْ أَظْهَرْتَهُ

پوشیده یا ظاهر داشته‌ام * به آشکار یا در پنهان *
 or announced it, Or I have concealed it or manifested it



وَكُلِّ سَيِّئَةٍ

و هر کار بدی

And every evil act which

أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ

که فرشتگان عالم پاک را مأمور نگارش آن کرده‌ای *

You hast commanded the Noble Writers to record,



الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ

که آن فرشتگان را
Those whom You hast

بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

به حفظ هر چه کرده‌ام موکل ساختی *
appointed to watch over what appears from me



وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ

و شاهد اعمالم با جوارح و اعضای من
And whom You hast made,

مَعَ جَوَارِحِي

* گردانیدی

along with my bodily members, witness against me.



وَ كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ

و فوق آن فرشتگان، تو خود

And You wast Yourself the Watcher over me

مِنْ وَرَائِهِمْ

مراقب من هستی

from behind them,



وَالشَّاهِدِ

* و شاهد و ناظر

And the Witness of what is

لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ

* بر آن اعمال من

hidden from them



وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ 

که از فرشتگان هم به رحمت پنهان داشته‌ای
But through Your mercy You concealed it

وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ 

و به فضل پوشاندی (همه را بخشی)
And through Your bounty You veiled it.



وَ أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي

و نیز درخواست می‌کنم که

[And I ask You] that You bestowest upon me

مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَ (تَنْزِلُهُ وَ)

مرا بهره بسیار ببخشی از هر خیری که می‌فرستی *
an abundant share of every good You sendest down,



أَوْ إِحْسَانٍ فَضْلَتَهُ (تَفْضِيلُهُ وَ)

و هر احسانی که می افزایی
Or kindness You conferrest,

أَوْ بِرِّ نَشْرَتَهُ (تَنْشُرُهُ وَ)

و هر نیکویی که منتشر می سازی
Or goodness You unfoldest,



أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ وَ (تَبَسَّطَهُ وَ) ❁

و هر رزق و روزی که وسیع می گردانی
Or provision You spreadest out,

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ وَ ❁ أَوْ خَطَاٍ تَسْتَرُهُ وَ ❁

و هر گناه که می بخشی * و هر خطا که بر آن پرده می کشی *
Or sin You forgivest, Or error You coverest.



يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای رب من ای رب من ای رب من
My Lord! My Lord! My Lord!

يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ

ای خدای من ای سید و مولای من
My God! My Master! My Protector!



وَمَا لِكَ رَبِّي

و ای کسی که زمام اختیارم به دست اوست *

Owner of my bondage!

يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي

ای واقف از حال زار و ناتوانم *

O He in whose hand is my forelock!





يَا عَلِيمًا بِضُرِّي (بِفَقْرِي) وَمَسْكَنتِي

ای آگاه از بینوایی و وضع پریشانم *

O He who knows my affliction and my misery!



يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي

ای آگاه به احتیاج و بی چیزیم *

O He who is aware of my poverty and indigence!



يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای رب من ای رب من ای رب من
My Lord! My Lord! My Lord!

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ

از تو درخواست می‌کنم به حق حقیقت و به ذات مقدست
I ask You by Your Truth and Your Holiness



وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ

و بزرگترین صفات

And the greatest of Your Attributes

وَأَسْمَاءِكَ



* و اسماء مبارکت

and Names,



أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنْ (فِي) اللَّيْلِ

که اوقات مرا در شب و روز به یاد خود

That You makest my times in the night

وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةٌ ❁

معمور (آباد) گردانی *

and the day inhabited by Your remembrance,



وَبِجِدْمَتِكَ مَوْصُولَةٌ

و پیوسته به خدمت بندگی ات بگذرانی *

And joined to Your service

وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةٌ

و اعمالم را مقبول حضرتت فرمایی *

And my works acceptable to You,



حَتَّىٰ تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي (اِرَادَتِي)

تا کردار و گفتارم همه یک جهت و خالص

So that my works and my litanies

كُلُّهَا وَرِدًّا وَاحِدًا ❁

برای تو باشد *

may all be a single litany



وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا

و احوالم تا ابد به خدمت و طاعتت مصروف گردد *

And my occupation with Your service everlasting.

يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيَّ مَعْوِي

ای سید من، ای کسی که تمام اعتماد و توکلم بر اوست *

My Master! O He upon whom I depend!



يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكَوْتُ أَحْوَالِي

و شکایت از احوال پریشانم به حضرت اوست *

O He to whom I complain about my states!

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای رب من ای رب من ای رب من *

My Lord! My Lord! My Lord!



قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي

(لطفی کن) و به اعضا و جوارحم در مقام بندگیت قوت بخش *

Strengthen my bodily members in Your service,

وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي

و دلم را عزم ثابت ده *

And fortify my ribs in determination



وَهَبْ لِي اِجْتِدًا فِي خَشْيَتِكَ

و ارکان وجودم را به خوف و خشیت، محکم ساز
 And bestow upon me earnestness in my fear of You

وَالِدَوَامَ فِي الْاِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ

و پیوسته به خدمت در حضرتت بدار
 And continuity in my being joined to Your service



حَتَّىٰ أَسْرَحَ إِلَيْكَ

تا آنکه من در میدان طاعتت

So that I may move easily toward You

فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ

بر همه پیشینیان سبقت گیرم *

in the battlefields of the foremost



وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ (الْمُبَادِرِينَ) ❁

و از همه شتابندگان به درگاهت زودتر آیم *

And hurry to You among the prominent

وَأَشْتَأِقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَأِقِينَ ❁

و عاشقانه با مشتاقانت به مقام قرب حضرتت بشتابم *

And desire fervently Your proximity among the fervently desirous



وَأَدْنُوا مِنكَ دُنُوَ الْمُخْلِصِينَ

و مانند اهل خلوص به تو نزدیک گردم *

And move nearer to You with the nearness of the sincere

وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ

و بترسم از تو مانند ترسیدن یقین‌کنندگان *

And fear You with the fear of those who have certitude



وَأَجْتَمِعَ فِي جَوَارِكِ

و با اهل ایمان در جوار رحمت

And gather with the believers

مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

همنشین باشم *

in Your vicinity.



اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارِدْهُ

خدایا، و هر که به من بد اندیشد تو مجازاتش کن
 O Allah, whoever desires evil for me, desire [it] for him!

وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ

و هر که مکر ورزد به کیفرش برسان
 whoever deceives me-deceive him!



وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ

و مرا به لطف و رحمتت نصیب

And make me one of the most excellent of Your slaves

نَصِيْبًا عِنْدَكَ

* بهترین بندگانت عطا کن

in Portion from You,



وَأَقْرَبِهِمْ مِّنْزَلَةً مِّنْكَ

و مقام مقربترین و مخصوصترین

And the nearest of them in station to You

وَأَخْصَاهُمْ زُفَّةً لَّدَيْكَ

خاصان حضرتت کرامت فرما *

And the most elected of them in proximity to You.



فَإِنَّهُ **و** لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ

که هیچکس جز به فضل و رحمتت این مقام نخواهد یافت
For that cannot be attained except by Your bounty.

وَجُدُّ لِي بِجُودِكَ 

و باز جود و بخشش بی عوضت از من دریغ مدار *
And grant generously to me through Your munificence,



وَأَعِظْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ

بزرگی و مهربانی کن *

And incline toward me with Your splendour

وَأَحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ

و مرا به رحمت واسعات از شرّ دو عالم محفوظ بدار *

And protect me with Your mercy!



وَأَجْعَلُ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا

و زبانم را به ذکر خود گویا ساز *

And make my tongue remember You without ceasing

وَقَلْبِي مُجْبِلًا مَتِيمًا

و دلم را از عشق و محبت بی تاب گردان *

And my heart enthralled by Your love!



وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ اجَابَتِكَ

و بر من منت گذار و دعایم مستجاب فرما *

And be gracious to me by answering me favourably,

وَ أَقْلِنِي عَثْرَتِي * وَ اغْفِرْ لِي زَلَّتِي

و از لغزشم بگذر * و خطایم ببخش *

And nullify my slips And forgive my lapses!



فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَىٰ عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ

که تو خود به بندگان از لطف، دستور عبادت دادی
For You hast decreed Your worship for Your servants

وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ

* و امر به دعا فرمودی *

And commanded them to supplicate You



وَضَمِنْتُ لَهُمُ الْإِجَابَةَ

* و اجابت (دعا) را ضمانت کردی

And assured them that they would be answered.

فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي

* ای پروردگار، پس اینک من به دعا رو به سوی تو آوردم

So toward You, my Lord, I have turned my face



وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي 

و دست حاجت به درگاه تو دراز کردم *

And toward You, my Lord, I have extended my hand.

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

پس به عزت و جلالت قسم که دعایم مستجاب گردان

So by Your might, comply with my supplication



وَبَلِّغْنِي مُنَايَ ❁

و مرا به آرزویم (که وصال توست) برسان
And make me attain my desires!

وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي ❁

و امیدم را به فضل و کرمات ناامید مگردان
Do not severe my hoping for Your Favours



وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

و از شر دشمنانم از جن و انس

And spare me the evil of my enemies

مِنْ أَعْدَائِي

کفایت فرما *

from among the jinn and men!



يَا سَرِيعَ الرِّضَا

ای که از بندگانت بسیار زود راضی می شوی
O He, whose pleasure is quickly achieved!

اِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ

بخش بر بنده‌ای که به جز دعا و تضرع به درگاهت، چیزی ندارد
Forgive him who owns nothing but supplication



فَانَاكَ

که تو

For You dost

فَعَالٍ لِمَا تَشَاءُ

هر چه بخواهی می کنی *

what You wilt.



يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ

* ای که نامت دواى دردمندان
O He whose Name is a remedy,

وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ

* و یادت شفای بیماران است
And whose remembrance is a cure,



وَ طَاعَتُهُ وَ غِنَى

* و طاعت بی نیازی از هر چه در جهان
And whose obedience is wealth!

إِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ

* ترحم کن به کسی که سرمایه اش امید به توست
Have mercy upon him whose capital is hope



وَسِلاَحُهُ الْبُكَاءُ ❁

و اسلحه اش گریه است *

And whose weapon is tears!

يا سَابِغَ النِّعَمِ ❁ يا دَافِعَ النِّقَمِ ❁

ای بخشنده کاملترین نعمت * ای دفع کننده هر بلاء و مصیبت *

O Ample in blessings! O Repeller of adversities!



يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ

ای نور دل‌های وحشت‌زده در ظلمات (فراق) *
O Light of those who are lonely in the darkness!

يَا عَالِمًا لَا يَعْلَمُ

ای دانای علم ازل تا ابد، بی‌آموختن *
O Knower who was never taught!



صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» *
Bless Muhammad and Muhammad's household!

وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

و با من آن کن که لایق حضرت توست *
And do with me what is worthy of You!



وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى رَسُوْلِهِ

و درود و رحمت خدا بر رسول گرامیش
And Allah bless His messenger

وَالْاَئِمَّةِ الْمَيَامِيْنَ مِنْ اٰلِهِ (اَهْلِهِ) ❁


و امامان با برکات از اهل بیتش *
and the holy Imams of his household



وَسَلِّمٌ

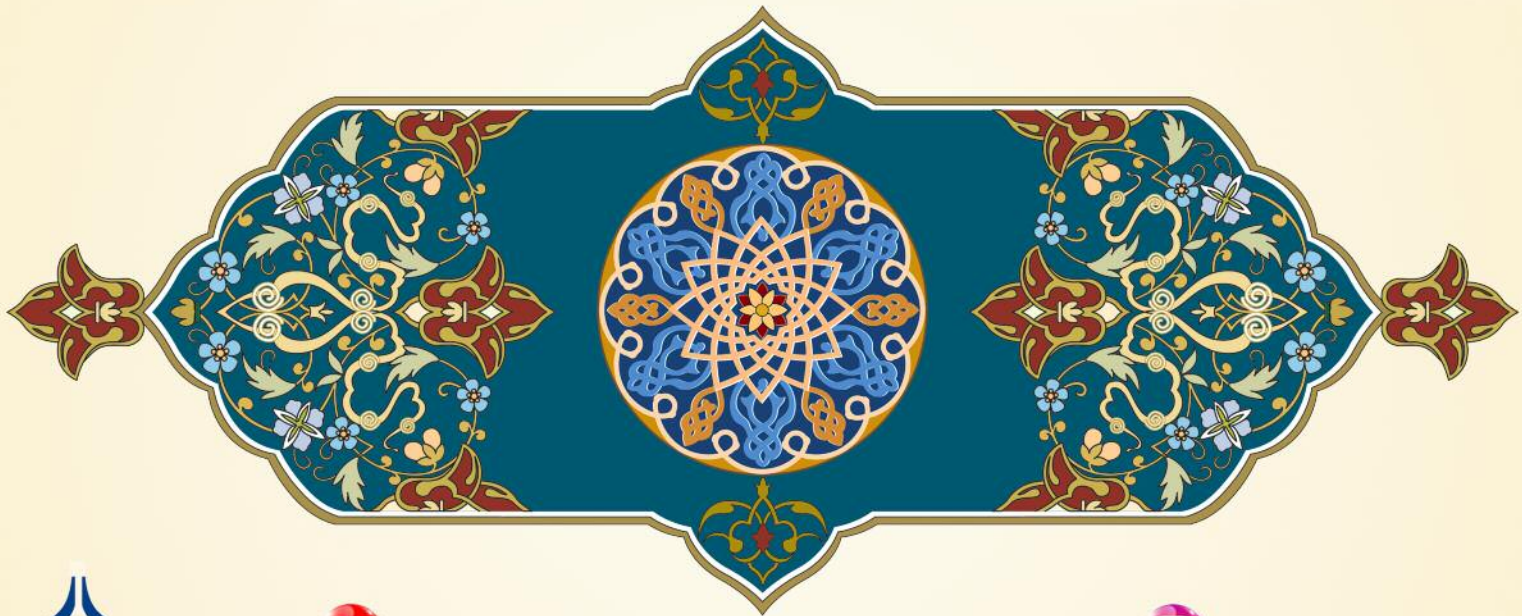
و سلام

And give them

تَسْلِيمًا [كَثِيرًا] 

و تحیت بسیار بر آن بزرگواران باد *
abundant peace!





Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



www.negareh-asan.ir

نگارش
آسان